

تحلیل قرآنی مفهوم ولایت در حدیث غدیر*

علی حسن‌بگی** و ابراهیم ابراهیمی*** و محمد تیموری****

چکیده

مفهوم «ولایت» در حدیث غدیر، از جمله مفاهیمی است که دیدگاه‌های متناقضی از سوی شیعه و اهل سنت نسبت به آن ارائه شده است. شیعه، «ولایت» مطرح‌شده در این حدیث را از مهم‌ترین نصوص قطعی بر امامت و وصایت امام علی (علیه السلام) می‌داند؛ ولی برخی از اهل سنت آن را در حد محبت و نصرت تنزل داده‌اند. این تحقیق بر مبنای ارتباط مفهومی و مصداقی «ولایت» در آیه ولایت و حدیث غدیر، در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی، مفهوم «ولایت» امام علی (علیه السلام) در حدیث غدیر را در پرتو معنایابی مفهوم ولایت الهی و نبوی (صلی الله علیه و آله) در آیه ولایت و دیگر آیات قرآن تحلیل کند. نوشته حاضر بیان می‌کند که بر اساس تحلیل آثار ولایت الهی و نبوی (صلی الله علیه و آله) که عبارت‌اند از: نصرت، هدایت، محبت و سرپرستی و همچنین اسباب و لوازم ورود به این دو ولایت که شامل: ایمان، عمل صالح، موذت، اطاعت و تبعیت از «ولیت» است و انطباق این مؤلفه‌ها بر ولایت علوی (علیه السلام) در حدیث غدیر؛ «ولایت» مطرح‌شده برای امام علی (علیه السلام) در حدیث غدیر، مفهومی اعم از محبت و نصرت داشته؛ بلکه بر «رهبری دینی، فکری، اجتماعی و سیاسی» آن امام (علیه السلام) دلالت تام دارد.

واژگان کلیدی: حدیث غدیر، آیه ولایت، ولایت الهی، ولایت امام علی (علیه السلام)، فقه الحدیث.

* تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۸ و تاریخ تأیید: ۹۸/۱۲/۲۰.

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک؛ (a-hasanbagi@araku.ac.ir).

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک؛ (dr.e.e.978@gmail.com).

**** دانش‌آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، (نویسنده مسئول)؛ (phd.m.teymoori@gmail.com).

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که از قرون نخست هجری تا به امروز، کانون توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفته، چگونگی نیل به فهم صحیح احادیث است. اختلافات و برداشت‌های ناصحیح از روایات، عالمان عرصه حدیث را واداشت تا با ابداع دانش «فقه الحدیث»، راه‌کارهایی برای کیفیت دست‌یابی به فهم صحیح روایات تعیین کنند. یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، فهم احادیث در پرتو قرآن می‌باشد که آیات متعددی بر صحت چنین رهیافتی دلالت دارند. آیاتی که معصومان علیهم‌السلام و در رأس آنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را معلّم و مفسّر و مبلّغ معارف قرآنی ذکر می‌کنند (البقره: ۱۲۹؛ آل‌عمران: ۱۶۴؛ الجمعة: ۲)، تنها بخشی از ادله‌ای است که به لزوم فهم درست روایات بر اساس آیات دلالت دارند. یکی از انواع روایاتی که فهم آن بر اساس رویکرد مزبور، ضروری می‌نماید، احادیثی است که برداشت‌های متناقض از آن شده است؛ به‌ویژه روایاتی که فرّق اسلامی نسبت به مفاد آن اختلاف دارند. حدیث غدیر، یکی از روایاتی است که برداشت‌های متناقض و مختلفی از آن شده است. شیعه حدیث غدیر و اطلاق لفظ «مولی» بر امام علی علیه‌السلام در آن را از مهم‌ترین ادله امامت و جانشینی امام علی علیه‌السلام می‌داند؛ ولی بسیاری از اهل سنت، «ولایت» مطرح‌شده در آن را در حد محبت و نصرت آن حضرت تنزل داده‌اند. بر اساس روایات متواتر فریقین، «ولایت» امام علی علیه‌السلام در حدیث غدیر، عطف به ولایت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شده است: «من كنت مولاة فعلى مولاة». بنابراین، برای فهم صحیح مفهوم ولایت علوی علیه‌السلام در این حدیث، ضروری است که ابتدا فهم صحیحی از ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و گستره آن در آیات قرآن داشته باشیم. بررسی آیات قرآن، بیانگر این است که تنها آیه‌ای که به‌صراحت، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان «ولی» مومنان معرفی می‌کند، آیه معروف به «آیه ولایت» است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ...﴾ (المائدة: ۵۵). بر این اساس، روش پژوهش حاضر برای تحلیل چیستی و گستره ولایت امام علی علیه‌السلام در حدیث غدیر، واکاوی مفهوم ولایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پرتو آیه ولایت است و از این جهت که ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این آیه، عطف به ولایت خداوند شده و همچنین ولایت نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مظهر و تجلی ولایت الهی است؛ بنابراین، ضروری است که ابتدا مفهوم ولایت الهی نیز مورد واکاوی قرار گیرد. اتخاذ چنین رویکرد قرآنی نسبت به معنایابی مفهوم «ولایت» در حدیث غدیر، چندین رهاورد مهم در این‌باره خواهد داشت از جمله اینکه: منجر به فهم صحیحی از حدیث غدیر و همچنین ولایت مطرح‌شده در آن خواهد شد و از آنجایی که پایه و مستندات چنین روشی برای معنایابی، آیات قرآن است و قرآن نیز در بین شیعه و اهل سنت حجیت دارد و فریقین بر اعتبار آن اتفاق دارند؛ بنابراین، نتایج حاصله از

این رویکرد، مورد اتفاق هر دو گروه خواهد بود و زمینه تقریب بیشتر آنان را به وجود خواهد آورد. درباره تبیین مفهوم «ولایت» در آیه ولایت و حدیث غدیر، بررسی‌های متعددی از سوی پژوهشگران فریقین صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: «ولایت در قرآن» از آیت‌الله جوادی آملی که مؤلف برخی از آثار ولایت الهی و اسباب ورود به این ولایت (معرفت، اخلاص و محبت) را بیان کرده است؛ لکن همه مؤلفه‌های ولایت را گردآوری نکرده و همچنین در چندین مورد، مستندات قرآنی آن‌ها را بیان نکرده است. مقاله «جستاری در معنای واژه «ولیی»» از شیخ محمدرضا جعفری و سید حسین حائری، فصلنامه امامت پژوهی، شماره اول، از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه است. در این پژوهش، معانی «ولیی» بر اساس کتاب لغت و آیات قرآن مشخص شده است؛ ولی به گونه‌ای جامع مؤلفه‌های ولایت چه نسبت به «ولیی» و چه نسبت به «مولی علیّه» بیان نشده است. «معناشناسی ولایت» عنوان کتابی است از احمدرضا اخوت که مولف در این کتاب سعی کرده ولایت را تبیین کند؛ ولی روش و یافته‌های وی با پژوهش پیش رو انطباق زیادی ندارند. در کتاب «حدیث ولایت، نگرشی نو در معناشناسی» از سعید نظری توکلی، بیشتر سعی شده است تا معانی ولایت بر اساس کتب لغت بیان شود. مقاله «واکاوای تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین» از ابراهیم ابراهیمی و دیگران که در آن بیشتر متعلقات ارتباط با ولایت بررسی شده است.

وجه تمایز پژوهش پیش رو با تالیفات پیشین از چند جهت است: اولاً: در این نوشتار همسانی «ولایت» در دو گزاره آیه ولایت و حدیث غدیر از جهت مفهوم و مصداق اثبات شده است. ثانیاً: وجه تمایز دیگر این پژوهش از جهت روش و فرآیند استخراج مؤلفه‌های مفهوم «ولایت» در آیه ولایت و حدیث غدیر است؛ زیرا روش آن، روش قرآنی صرف است و فرآیند آن، استخراج مؤلفه‌های ولایت بر اساس سه بُعد مفهوم ولایت، یعنی: آثار، اسباب ورود و متعلقات روابط با ولایت است. ثالثاً: این تمایز از جهت یافته‌ها است که در آن مؤلفه‌های جامع‌تری از مفهوم «ولایت» در دو گزاره مورد بحث، استخراج شده است.

در این پژوهش، ابتدا شناخت اجمالی از حدیث غدیر و آیه ولایت خواهیم داشت و سپس با استناد به سه وجه ارتباطی این دو گزاره، اثبات خواهیم کرد که «ولایت» مطرح شده در حدیث غدیر از جهت مفهومی و مصداقی، همان «ولایت» ذکر شده در آیه ولایت است. آن‌گاه بر مبنای هم‌معنایی «ولایت» در این دو گزاره، مؤلفه‌های معنایی ولایت الهی و نبوی ﷺ را در آیه ولایت و دیگر آیاتی که واژه ولایت در آن به کار رفته، استخراج کرده و جهت تأیید این مؤلفه‌ها برای ولایت امام علی علیه السلام، شواهد صحّت این مؤلفه‌ها را بر اساس آیات و روایات برای آن حضرت بیان

می‌کنیم. در پایان، بر اساس مؤلفه‌های مفهوم ولایت الهی و ولایت پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام)، مفهوم «ولایت» در آیه ولایت و حدیث غدیر را تعریف و تحلیل خواهیم کرد و در نهایت دیدگاه رقیب (اهل سنت) را نقد می‌کنیم.

الف) حدیث غدیر و آیه ولایت و وجوه ارتباطی آنها

در این بخش ابتدا شناخت اجمالی از حدیث غدیر و آیه ولایت ارائه می‌گردد و سپس وجوه ارتباطی بین آنها تبیین می‌شود.

۱. حدیث غدیر

حدیث غدیر به اتفاق فریقین هنگام برگشت پیامبر ﷺ و مسلمانان از حجة الوداع در منطقه‌ای به نام غدیر خم از سوی پیامبر ﷺ در خطاب به مسلمین ایراد شد. در این حدیث که خطبه‌ای طولانی است، پیامبر اکرم ﷺ بعد از اینکه فرمود: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟»، دست امام علی (علیه السلام) را بالا برد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ» (بخاری، التاريخ الكبير، دائرة المعارف العثمانیه، بی تا: ۱۹۳/۴؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/۲۹۵؛ نسائی، اسنن الكبرى، ۱۴۱۱: ۱۳۰/۳). بنا بر اجماع شیعه و برخی از عالمان اهل سنت،^[۱] این حدیث از احادیث متواتر است که هیچ‌گونه شکی در آن نیست. علامه امینی در کتاب الغدیر، این حدیث را از ۱۱۰ نفر از صحابه، ۸۴ نفر از تابعین و ۳۶۰ تن از علماء قرن دوم تا چهاردهم نقل کرده است (امینی، الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب، ۱۴۱۶: ۴۱/۱-۳۱۰) که این تعداد راوی بر تواتر این حدیث دلالت دارد. بنابراین، حدیث غدیر از چنان وثاقت و اعتباری نزد فریقین برخوردار است که اگر به صدور آن شک شود، در واقع به هیچ روایتی نمی‌توان اعتماد کرد.

۲. آیه ولایت

یکی از مهم‌ترین آیاتی که به لحاظ معنایی ارتباط وثیقی با حدیث غدیر دارد، آیه ولایت است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾؛ ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. (المائدة: ۵۵).

این آیه بنا بر اجماع شیعه و بر اساس روایات زیادی از اهل سنت، درباره امام علی (علیه السلام) نازل شده است؛ در آن هنگام که امام (علیه السلام) در رکوع نماز خود، انگشتی خویش را به فقیری عطا کرد. جصاص (مفسر اهل سنت) در کتاب احکام القرآن در این باره روایت می‌کند: «روی عن مجاهد و السدی و

أبي جعفر و عتبة بن أبي حكيم أنها نزلت في علي بن أبي طالب حين تصدق بخاتمه و هو راع» (جصاص، احكام القرآن، ۱۴۰۵، ۱۰۲/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۶۴۹/۱؛ رازی، مفاتيح الغيب، ۱۴۲۰، ۳۸۳/۱۲)^[۲] بنابراین، مصادیق ولایت در این آیه عبارت‌اند از: خداوند، پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام.

۳. وجوه ارتباط حدیث غدیر با آیه ولایت

مهم‌ترین وجوه ارتباطی آیه ولایت با حدیث غدیر سه مورد ذیل است.

۱) سنت نبوی به منزله تفسیر قرآن

بر اساس آیات، یکی از وظایف مهم پیامبر اکرم ﷺ، شرح و تعلیم معارف قرآن است (البقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴؛ الجمعة: ۲). از آن جایی که تعداد زیادی از روایات نبوی ﷺ شرح و تعلیم آیات قرآنی است؛ از این رو، درک ما از روایاتی که با آیات قرآن ارتباط دارند، بدون مراجعه به قرآن ناقص خواهد بود. بنابراین، یکی از راه‌کارهای فهم مقصود حدیث غدیر، ریشه‌یابی محتوای آن در آیات است. اینکه پیامبر ﷺ در جمع چند ده هزار نفری و در آن شرایط آب و هوایی گرم، مطلبی را به مسلمانان ابلاغ می‌کنند، نشان از اهمیت بالای آن موضوع دارد؛ به طوری که در طول دوران ۲۳ سال نبوت، هیچ موضوعی در چنین شرایطی از سوی پیامبر ﷺ بیان نشده بود. حال سؤال این است که آیا چنین موضوع مهمی ریشه در قرآن دارد یا خیر؟ اگر پاسخ این سوال مثبت باشد، به طور حتم فهم مراد اصلی حدیث غدیر دقیق‌تر و صحیح‌تر خواهد شد. بر اساس دو دلیل ذیل، اثبات می‌کنیم حدیث غدیر ریشه در قرآن دارد. بنابراین، لازم است حدیث غدیر را در پرتو آیات مرتبط تبیین کرد.

۲) همسانی مصادیق ولایت در آیه ولایت و حدیث غدیر

در حدیث غدیر، ولایت امام علی علیه السلام در ردیف ولایت رسول الله ﷺ بیان شده است: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ابن ماجه، سنن الحافظ أبي عبدالله محمد بن يزيد القزويني ابن ماجه، ۱۴۱۸، ۱: ۱۳۷). در برخی از گزارش‌های این حدیث، ولایت الهی نیز در ردیف ولایت پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام ذکر شده است: «ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (طبرانی، المعجم الكبير، ۱۴۰۴، ۳: ۱۸۰). بر این اساس، حدیث غدیر دلالت دارد بر اینکه ولایت امام علی علیه السلام همسان با ولایت خدا و پیامبر ﷺ است. در آیه ولایت نیز ولایت علی علیه السلام عطف به ولایت الهی و نبوی ﷺ معرفی شده است که این گونه عطف بدون قید بیانگر این است که هر سه مصداق ولایت، دارای یک مفهوم می‌باشند. نتیجه اینکه وجه روشن ارتباط حدیث غدیر با آیه ولایت در همسانی مصادیق «ولایت» است که در هر دو گزاره مزبور مصادیق ولایت عبارتند از: خداوند، پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام.

۳) همسانی مفهومی ولایت در آیه ولایت و حدیث غدیر

در حدیث غدیر، به امام علی علیه السلام لفظ «مولی» اطلاق شده است و در آیه ولایت نیز از لفظ «ولی» استفاده شده است. این دو اسم ناظر بر یک مفهوم می‌باشند. اهل لغت و مفسران قائلند که «ولی»، اسم فاعل ماده «وَلَّى یَلِی» می‌باشد و «مولی»، یا مصدر است یا اسم مکان برای ولایت؛ برای نمونه نظرات چند تن از ایشان ذکر می‌شود: «المولی مصدر میمی من ولی یلی» (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵: ۱؛ ۴۵۰)، «المولی مفعول من ولی یلی، یکون للمصدر و الزمان و المكان» (اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰، ۲: ۷۶۷). فراء قائل است که «الولی و المولی واحد فی کلام العرب» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۶۰۸/۱۵). برخی از مفسران تفاوت این دو صفت را این‌گونه بیان می‌کنند که «مولی به صیغه اسم مکان و به معنی محل ولایت است؛ یعنی محلی که مفهوم «ولایت» در آن جا ظهور پیدا می‌کند و این تعبیر برای تجلیل و تعظیم در مقام ولایت پروردگار متعال اطلاق می‌شود؛ زیرا این صیغه به مرکز و مصدر و مورد ولایت دلالت می‌کند، به خلاف کلمه «ولی» که تنها به اتصاف دلالت می‌کند» (مصطفوی، تفسیر روشن، ۱۳۸۰: ۶۲/۴). علاوه بر این، در برخی گزارش‌ها از حدیث غدیر، به جای لفظ «مولی»، واژه «ولی» روایت شده است که این خود به وضوح دلالت دارد بر اینکه از اطلاق «مولی» همان «ولی» اراده می‌شود: «مَنْ كُنْتُ وَلِيَهُ فَإِنَّ عَلِيًّا وَلِيَهُ» (نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۱: ۱۴۱/۲؛ نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱: ۴۵/۵). بنابراین، «مولی» و «ولی» ناظر بر یک مفهوم (یعنی همان ولایت) هستند.

ب) فرآیند کشف مؤلفه‌های مفهوم ولایت الهی و نبوی صلی الله علیه و آله در آیه ولایت

برای معنایابی صحیح ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین ولایت علوی علیه السلام در آیه ولایت، ضروری است ولایت الهی در این آیه و آیات دیگر کشف شود؛ زیرا در این آیه، ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام عطف به ولایت خداوند شده و این عطف بدون قید بیانگر این است که دو ولایت نامبرده عین ولایت الهی و مظهر و تجلی آن است.^{۱۳۱} بنابراین، برای معنایابی صحیح «ولایت» در این آیه، لازم است ولایت خداوند در آیات قرآن مفهوم‌شناسی شود. برای رسیدن به چنین هدفی، لازم است ولایت الهی از چند جهت تبیین شود؛ بدین‌گونه که اولاً: ولایت الهی چه تأثیراتی در کسانی دارد که تحت این ولایت قرار گرفته‌اند؟ ثانیاً: اسباب ورود به این ولایت چیست؟ ثالثاً: لوازم ارتباط با این ولایت و استمرار آن چیست؟ در پرتو چنین رهیافتی است که می‌توان مفهوم و گستره ولایت الهی و تبعاً ولایت نبوی صلی الله علیه و آله و در نهایت ولایت علوی علیه السلام را کشف کرد؛ زیرا بر اساس یکی

بودن مصادیق ولایت در دو گزاره آیه ولایت و حدیث غدیر، هر تاثیری که ولایت الهی داشته باشد، همان تاثیر در ولایت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام وجود خواهد داشت و همچنین هر نوع شرط لازمی که برای بهره گرفتن از ولایت الهی باید باشد، همان شرایط برای ولایت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام نیز باید به وجود بیاید تا فرد مشمول ولایت این دو قرار گیرد.

۱. آثار ولایت الهی و نبوی ﷺ

مهم ترین و پرسامدترین آثار ولایت الهی و نبوی ﷺ در قرآن کریم شامل موارد ذیل است:

۱-۱. هدایت

یکی از مهم ترین آثار ولایت الهی بر مشمولان آن، هدایت است. آیات ذیل، بخشی از آیاتی است که این شأن ولایت الهی را بیان می کند: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (البقره: ۲۵۷)؛ خدای متعال «ولیی» مومنان است و به خاطر این ولایت، مومنان را از ظلماتی همچون عقاید باطل، اخلاق رذیله به سوی نور عقاید حق، محاسن اخلاقی و اعمال صالح می برد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۲: ۱۹۶) در آیات ذیل، هدایت به ولایت نسبت داده شده است: ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ﴾ (الاسراء: ۹۷)، ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًا مُّشْرِئًا﴾ (الكهف: ۱۷)، ﴿وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَّلِيٍّ مِّن بَعْدِهِ﴾ (الشوری: ۴۴)؛ مضمون سه آیه شریفه این است که هر که را خدا گمراه کند، آن فرد نمی تواند «ولیی»ی برای خود بیابد تا آن «ولیی»، مسئولیت هدایت او را برعهده بگیرد. بر این اساس، هدایت از آثار و شئون ولایت الهی است.

در آیات متعددی، هدایت به پیامبر ﷺ نیز نسبت داده شده است. آیه ذیل می فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابرهیم: ۱)؛ در این آیه خارج کردن مردم از ظلمات به سوی نور، به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است و این بدان جهت است که یکی از اسباب ظاهری این اخراج، پیامبر ﷺ است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷، ۱۲: ۷). در آیه دیگر شرط هدایت، تبعیت از پیامبر ﷺ ذکر شده است: ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (الاعراف: ۱۵۸). در آیه ای دیگر خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ (شوری: ۵۲). بنابراین، همان طور که خداوند افراد تحت ولایت خود را هدایت می کند، پیامبر ﷺ نیز پذیرندگان ولایت خویش را هدایت می کند.

۲-۱. نصرت

یکی از آثار «ولایت»، یاری‌رسانی به «مولی علیه» است. دو آیه ذیل بر این حقیقت دلالت دارند: «قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مَن دُونِ اللَّهِ وَليَا وَلَا نَصِيرًا» (الاحزاب: ۱۷)، «وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مَن دُونِهِ مِن وَّالٍ»^[۴] (الرعد: ۱۱). این دو آیه، بیانگر این حقیقت است که اگر خداوند برای کسی اراده بدی کند، افراد هیچ «ولی»ی ندارند تا به آنها در مقابل خداوند یاری رساند. بنابراین، یکی از شئون «مولی»، مدد‌رسانی به «مولی علیه» است. بر همین اساس نصرت و یاری دادن (چه نصرت در دنیا و چه نصرت در عقبی) در قرآن به ولایت الهی نسبت داده شده است. در آیه شریفه می‌فرماید: «وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۸۶). در این آیه، دلیل نصرت‌خواهی مومنین از خداوند، «مولی» بودن حق تعالی ذکر شده است، چنین خواهشی از خداوند دلالت دارد بر اینکه چون خداوند متولی امر نصرت مومنین است، پس اوست که باید آنان را بر کفار نصرت دهد.

از مصادیق نصرت الهی در آخرت، نجات از دوزخ است. آیات شریفه ذیل، بخشی از آیاتی است که بر نصرت ولایت الهی در آخرت دلالت دارند: «وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مَن دُونِ اللَّهِ وَليَا وَلَا نَصِيرًا» (النساء: ۱۷۳)، «وَاعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَلِيدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَليَا وَلَا نَصِيرًا» (الاحزاب: ۶۴-۶۵). مفهوم دو آیه فوق این است که دوزخیان برای خود مولایی نمی‌یابند تا آنان را در برابر عذاب‌های الهی یاری رساند. بنابراین، نصرت الهی هم در دنیا و هم در عقبی برای کسانی که دل به ولایت او سپرده‌اند، شامل می‌شود: «فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف: ۱۰۱). بنابراین، «نصرت یکی از آثار متولی بودن است؛ زیرا وقتی انسان کسی را داشت که قیام می‌کند به امور زندگی او، پس در موردی که احتیاج زیاد به کمک و یاری داشته باشد: قهرا او را یاری خواهد کرد، تا مقهور و مغلوب نگردد؛ و مخصوصاً با قدرت و احاطه نامحدودی که دارد» (مصطفوی، تفسیر روشن، ۱۳۸۰، ۵: ۷۵)

بر اساس آیات قرآن، پیامبر ﷺ نیز نصیر و یاور مومنان است. قرآن کریم درباره این شأن ولایت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵). در این آیه، مستضعفان مومن برای رهایی از چنگال ظالمان دعا می‌کنند: پروردگارا برای ما از نزد خودت ولی و نصیر قرار ده! در واقع آنان کسی را می‌خواهند که

هم ولی ایشان باشد و هم نصیر آنان. از آن جایی که این آیه بر مستضعفان مکه تطبیق داده شده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲، ۳: ۱۱۷؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰، ۱۰: ۱۰) و پیامبر ﷺ در دوران حیات خود بر این شهر غلبه یافت و مستضعفان مکه را از ظالمان نجات داد؛ بنابراین، پیامبر ﷺ هم برای آنان «ولّی» و هم نصیر است. ولایت پیامبر ﷺ در آخرت نیز کارساز است. آیه ذیل، کارکرد اولیاء منفی در آخرت را نفی می‌کند: ﴿مَنْ وَرَّاهُمْ جَهَنَّمَ وَ لَا یَغْنِی عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شِیْئًا وَ لَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولِیَاءَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِیْمٌ﴾ (جاثیه: ۱۰). مفهوم آیه این است که «ولّی» حقیقی باید در سرای آخرت نیز گره‌ای از مشکلات «مولّی علیه» خویش بگشاید. از آن جایی که ولایت پیامبر ﷺ مورد تایید خدا است، بر این اساس پیامبر ﷺ با ولایت خود، موجب نفع‌رسانی در آخرت خواهد شد که شفاعت از مصادیق آن است: ﴿یَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ (طه: ۱۰۹). با توجه به آیات مزبور، نصرت در دنیا و آخرت از دیگر آثار ولایت الهی و نبوی ﷺ است.

۳-۱. محبت

یکی از شرایط «ولّی» حقیقی بر اساس آیات قرآن این است که «ولّی» نسبت به «مولّی علیه» خود محبت داشته باشد. خداوند علت نهی از به ولایت گرفتن شیطان را دشمنی او ذکر کرده است: ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أُولِیَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ﴾ (الکهف: ۵۰). مفهوم آیه این است که کسی را می‌توان به عنوان «ولّی» پذیرفت که آن فرد دوست‌دار ما باشد؛ نه دشمن ما. خداوند در آیه ۵۴ سوره مائده، یکی از امتیازات کسانی که تن به ولایت یهود و نصارا نداده و فقط ولایت الهی را پذیرفته‌اند، محبت خداوند نسبت به آنان ذکر می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أُولِیَاءَ ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ﴾ (المائده: ۵۴ و ۵۵). از آثار ولایت پیامبر ﷺ نیز بر کسانی که تحت این ولایت هستند، محبت آن حضرت به ایشان است. آیه ذیل، یکی از ویژگی‌های «ولّی» حقیقی را دوستی بین «ولّی» و «مولّی علیه» بیان می‌کند: ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أُولِیَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ﴾ (الکهف: ۵۰). عبارت «أَفَتَتَّخِذُونَهُ ...» به بعد، بیانگر این نکته است که کسی می‌تواند «ولّی» شما باشد که دوست‌دار شما هم باشد. از سوی دیگر، آیه ۵۵ سوره مائده به مومنین امر می‌کند که رسول خدا ﷺ «ولّی» شماست؛ بنابراین، چون پیامبر ﷺ «ولّی» حقیقی مومنان است و «ولّی» حقیقی نیز نسبت به «مولّی علیه» خود محبت دارد، پس پیامبر ﷺ نیز دوست‌دار کسانی است که دل به ولایت وی سپرده‌اند. آیه ذیل، بر این خصیصه مهم پیامبر ﷺ تاکید دارد: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (التوبه: ۱۲۸).

۴-۱. سرپرستی

در آیات متعددی صفت «ولی» خداوند، متضمن مؤلفه سرپرستی و متولی امور است. برای نمونه، آیه شریفه می‌فرماید: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (بقره: ۲۵۷)؛ قشیری از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه مزبور می‌نویسد: «الولی بمعنی المتولی لأمرهم، و المتفرد بإصلاح شئونهم» (قشیری، بی تا، ۱۹۸/۱)، ابن جوزی نیز درباره معنای «ولی» در این آیه می‌گوید: «أی: متولی أمرهم، یهدیهم، وینصرهم، ویعینهم» (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۳۲/۱؛ مفسران دیگر که «ولی» در این آیه را متولی امور معنا کرده‌اند: ابن عربی، ۱۴۲۲: ۸۴/۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳۵۰/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۵۵/۱؛ اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۶۱۸/۲). در آیه دیگر، مومنان این‌گونه دعا می‌کنند: ﴿أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (البقره: ۲۸۶). مفسران یکی از معانی «مولی» در این آیه را متولی امور ذکر کرده‌اند. زمخشری، «مولی» در این آیه را این‌گونه معنا می‌کند: «سیدنا و نحن عبیدک. أو ناصرنا. أو متولی أمورنا» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۱؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۹۴/۱؛ بغدادی، لباب التاویل فی معانی التنزیل، ۱۴۱۵: ۲۲۱/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶۸/۲).

علاوه بر آیات مزبور، یکی از مهم‌ترین دلایل مؤلفه بودن سرپرستی برای مفهوم «ولایت»، دلالت التزامی دیگر مؤلفه‌های «ولایت» است؛ زیرا بر این اساس که «هدایت و نصرت» از تاثیرات ولایت خدا و رسول است، زمانی نصرت و هدایت الهی تحقق کامل می‌یابد که قوانین زندگی اجتماع بشری و مجریان آن، منتصب از سوی خداوند باشند. نمی‌توان پذیرفت که خداوند هدایت‌کننده است؛ ولی قانونی وضع نکند. همان‌گونه که نمی‌توان قبول کرد که خداوند نصیر مومنان است، ولی به آنان در برابر ظلم طاغوت‌ها هیچ‌گونه مددی نرساند. بر این اساس، لازمه نصرت و هدایت الهی این است که خداوند سرپرست و حاکم بر جامعه باشد: ﴿إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (انعام: ۵۷). «این جمله معنی روشنی دارد و آن این‌که: هر گونه فرمان در عالم آفرینش و تکوین و در عالم احکام دینی و تشریح به دست خدا است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ۵: ۲۶۵). وضع قانون و نصب حاکم از سوی خداوند به صورت انزال کتب و ارسال رسل صورت می‌گیرد: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)، ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ (جمعه: ۲). نتیجه اینکه برای تحقق کامل نصرت و هدایت الهی، پیامبر ﷺ باید حاکم و سرپرست جامعه باشد.^[۵] بنابراین، یکی از آثار ولایت خداوند و رسول خدا ﷺ، سرپرستی بر جامعه است.

۲. اسباب ورود به ولایت الهی و نبوی ﷺ

۱-۲. ایمان

یکی از مهم ترین اسباب ورود به ولایت الهی، ایمان است. قرآن کریم در چندین مورد به این مهم می پردازد. مثلاً در این آیه خداوند را «ولی» مومنان معرفی کرده است: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (البقرة: ۲۵۷)؛ همچنین می فرماید: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ (محمد: ۱۱). بنابر دو آیه مزبور، لازمه تحت ولایت الهی قرار گرفتن، ایمان است که اگر کسی ایمان نداشته باشد، ولایت الهی شامل وی نخواهد شد.

برای ورود به ولایت رسول الله ﷺ و بهره مندی از آثار ولایت وی، ایمان به خود آن حضرت لازم است. در آیات ذیل، پیامبر اکرم ﷺ به عنوان «ولی» حقیقی «مومنان» معرفی شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (المائدة: ۵۴-۵۵). بنابراین، یکی از شروط بهره مندی از ولایت نبوی ﷺ، ایمان به خود آن حضرت است. از همین رو است که پیامبر ﷺ نسبت به «مؤمنین» از خود مؤمنین اولی و سزاوارتر است: ﴿التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ (الاحزاب: ۶). از جمله آیات مؤید لزوم این شرط، آیه ذیل است که ایمان به رسول ﷺ را سبب نجات از عذاب دوزخ بیان می کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلَّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ... تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (الصف: ۱۰-۱۱). با توجه به اینکه نصرت در آخرت از آثار ولایت نبوی ﷺ است که تحلیل آن در مباحث پیشین آمد، این آیه شریفه ایمان به آن حضرت را سبب رهایی از آتش جهنم ذکر کرده است.

۲-۲. عمل صالح

یکی دیگر از شرایط برخورداري از ولایت الهی، عمل صالح است. قرآن کریم، سبب شامل شدن ولایت الهی برای عده ای را اعمال آنان می داند: ﴿قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۲۶-۱۲۷). بنابراین، عمل صالح از لوازم ورود به ولایت الهی است، همان گونه که در آیات زیادی شرط ورود به بهشت، ایمان و عمل صالح بیان شده است: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (البقرة: ۲۵).

این شرط برای ولایت پیغمبر ﷺ نیز صدق می کند. بر اساس آیات، کسی می تواند از هدایت ها و رهنمودهای پیامبر ﷺ سود ببرد که اهل فسق، بغی، جرم و دیگر رذائل نباشد. آیات ذیل، بخشی از آیاتی است که مؤید این مؤلفه اند: ﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ﴾ (الفرقان: ۳۱)، ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (التوبة: ۸۴). آیه اخیر کفر و فسق منافقان را عامل عدم بهره مندی آنان از آثار ولایت پیامبر ﷺ

(همانند محبت و نصرت) دانسته است. علامه طباطبایی درباره همین آیه می‌فرماید: «این آیه نهی می‌کند رسول خدا ﷺ را از این که نماز میت بخواند بر کسی که منافق بوده، و از این که کنار قبر منافقی بایستد، و این نهی را تعلیل کرده است به این که چون کفر ورزیدند و فاسق شدند و بر همین فسق خود مردند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷، ۹: ۳۶۰).

۳. لوازم ارتباط با ولایت الهی و نبوی ﷺ

۱-۳. مودت

دلالت مطابقی و التزامی آیات دلالت دارد بر اینکه مودت و محبت نسبت به «ولیی» از لوازم ارتباط با «ولایت» است. برای نمونه، در این آیه یکی از رفتارها نسبت به «ولیی» را مودت بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ» (الممتحنه: ۱). آیات ذیل پذیرش ولایت خدا و رسول ﷺ و امام علی (علیه السلام) را سبب ورود به حزب خداوند بیان می‌کنند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَلِبُونَ» (المائدة: ۵۶-۵۵). مفهوم آیه این است که «هر که خدا و رسول را ولی خود بگیرد، غالب و پیروز است؛ چون که از حزب خداست و حزب خداوند همیشه غالب است. و این سنخ تعبیر کنایه از این است که این‌ها حزب خداوند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷، ۶: ۱۵). از سوی دیگر، یکی از خصیصه‌های افراد حزب خدا، عدم مودت با کسانی است که با خدا و رسول خدا سر جنگ دارند: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲). نتیجه دو آیه مزبور این است که لازمه ولایت مداری ولایت خدا و رسول ﷺ، نداشتن مودت با کفار است.

در مقابل، آیات مزبور که مصادیق نفی محبت را برمی‌شمرد، آیات دیگر موارد ایجابی محبت را محبت به خداوند ذکر می‌کند. آیه ۵۴ المائدة که در سیاق نفی ولایت یهود و نصاری و اثبات ولایت خدا و رسول و علی (علیه السلام) است، یکی از ویژگی‌های ولایت پذیران ولایت الهی را، محبت نسبت به خداوند بیان کرده است: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (المائدة: ۵۴). بنابراین، محبت به خدا یکی از لوازم پذیرش ولایت الهی است.

این مؤلفه نسبت به ولایت نبوی ﷺ نیز ثابت است؛ زیرا آیه اول سوره الممتحنه که بحث آن گذشت، مودت نسبت به دشمنان خدا و مومنان را نفی کرده است؛ مفهوم آیه این است که اگر می‌خواهید نسبت به کسی مودت داشته باشید، قطعاً مصداق اتم و اکمل آن، شخص رسول خدا ﷺ است؛ زیرا آن حضرت هم «ولیی» حقیقی مومنان (المائدة: ۵۵) و هم مهربان‌ترین و خیرخواه‌ترین فرد نسبت به همه مومنان است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الانبیاء: ۱۰۷)، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (التوبة: ۱۲۸).

۲-۳. اطاعت

اطاعت از خدا یکی از متعلقات روابط بین مولی علیه با ولایت خدا است؛ بدین گونه که فردی که در ولایت الهی قرار گرفته است، فقط باید از خداوند اطاعت کند؛ نه از دیگران. آیه ذیل، علت انحصار اطاعت از خداوند را ولایت حقیقی خدا ذکر کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۹-۱۵۰)، «بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ»؛ یعنی خداوند اولی است که اطاعتش کنید و هم او بر نصرت شما اولی است» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲، ۲: ۸۵۶). بنابراین، آیه مزبور دلالت دارد بر اینکه شخص مولی علیه باید مطیع خداوند باشد و بر این اساس یکی از متعلقات روابط با ولایت الهی، اطاعت از خداوند است.

این مؤلفه درباره ولایت پیامبر ﷺ نیز صدق می کند. توضیح اینکه: ولایت پیامبر ﷺ مظهر ولایت الهی است (المائده: ۵۵-۵۶). همان طور که خداوند را به سبب اینکه ولایت مطلقه دارد باید اطاعت کرد (آل عمران: ۱۴۹-۱۵۰) بایستی از مظاهر ولایت الهی نیز اطاعت نمود. بر همین اساس است که قرآن کریم اطاعت از رسول خدا را آن هم به صورت مطلق و بدون هیچ گونه قید و شرطی در ردیف اطاعت مطلق از خداوند و بلکه عین اطاعت الهی ذکر کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (النساء: ۵۹)؛ «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (النساء: ۸۰). در آیات دیگر، اطاعت از خدا و رسول ﷺ، عملی برای ورود به بهشت ذکر شده است: «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (فتح: ۱۷). در آیه ای دیگر، اطاعت از رسول ﷺ را سبب ورود به رحمت الهی برشمرده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۲)؛ و همچنین اطاعت از رسول ﷺ موجب رستگاری می شود: «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (الاحزاب: ۷۱). در آیه شریفه ذیل، اطاعت از رسول ﷺ عامل مصونیت از دوزخ بیان شده است: «يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» (الاحزاب: ۶۶). بنابراین، همان گونه که لازمه پذیرش ولایت الهی، اطاعت از خداست، اطاعت از پیامبر ﷺ نیز شرط ورود به ولایت نبوی ﷺ است.

۳-۳. تبعیت

یکی از لوازم ارتباط با ولایت الهی، تبعیت از خداوند و اوامر و نواهی الهی است. در چندین آیه، یکی از مؤلفه های چگونگی ارتباط با «ولی»، «تبعیت» از «ولی» ذکر شده است. در آیه شریفه می فرماید: ﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۳). فقرة «وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» دلالت دارد بر اینکه تبعیت، یکی از متعلقات ارتباط با ولایت

است. در آیه‌ای دیگر، درباره ممنوعیت پیروی از یهود و نصاری آمده است: ﴿وَلَيْتِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (البقره: ۱۲۰). مفهوم آیه این است که تبعیت از هوی و هوس‌های یهود و نصاری به منزله ولایت قرار دادن ایشان است؛ زیرا تبعیت از ایشان سبب خروج از ولایت الهی می‌شود و هر که از ولایت خدا بیرون بیاید، لاجرم تحت ولایت طاغوت که یهود و نصاری از مصادیق آنان‌اند، در می‌آید. بنابراین، مفاد آیات مزبور این است که لازمه بهره‌مندی از ولایت الهی، عدم تبعیت از یهود و نصارا است و فقط باید از خداوند تبعیت کرد. آیات ذیل، این نوع ارتباط با خداوند را بیان می‌کند: ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى﴾ (یونس: ۳۵)، ﴿وَ اتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (آل‌عمران: ۱۷۴)، ﴿اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ (الانعام: ۱۰۶).

درباره ولایت رسول خدا ﷺ نیز این نوع رابطه صدق می‌کند. توضیح اینکه: یکی از آثار پذیرش ولایت الهی، محبت خداوند است: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (المائده: ۵۴). بر اساس آیه دیگر، یکی از شروط مهم محبت خداوند نسبت به هر فرد، تبعیت از پیامبر خدا ﷺ است: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ﴾ (آل‌عمران: ۳۱). بنابر دو آیه مزبور، کسانی که ولایت خداوند را پذیرفته‌اند، باید از پیامبر ﷺ تبعیت داشته باشند. تبعیت از پیامبر ﷺ اصلی است که آیه دیگر هم بر آن تاکید دارند: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ﴾ (الاعراف: ۱۵۷). بنابراین، لازمه ولایت‌مداری نسبت به خدا و رسول خدا ﷺ تبعیت از آن دو و فرامین آنان است.^[۶]

۴. قرائن صحّت مؤلفه‌های ولایت امام علی (علیه السلام)

بر اساس مطالب پیشین، مشخص شد که ولایت الهی و نبوی ﷺ در آیات قرآن چه مؤلفه‌هایی دارد که بنابر عطف مطلق ولایت امام علی (علیه السلام) به ولایت خدا و رسول ﷺ در آیه ولایت و حدیث غدیر، این مؤلفه‌ها برای ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز صدق می‌کند. گر چه بر اساس عطف سه ولایت مورد بحث در دو گزاره آیه ولایت و حدیث غدیر، این مؤلفه‌ها برای ولایت امام علی (علیه السلام) اثبات شده است، ولی جهت راستی‌آزمایی این مؤلفه‌ها برای ولایت آن حضرت، تنها به چند قرینه از شواهد و قرائن متعدد قرآنی و روایی استناد می‌کنیم. از جمله این قرائن، موارد ذیل هستند.

۴-۱. آیه مودّت

پیامبر ﷺ مزد رسالت خویش را مودت به نزدیکان خود بیان کرده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳). بر اساس اجماع روایات شیعه و تعداد زیادی از روایات اهل سنت، شأن نزول این آیه درباره مودّت اهل بیت (علیهم السلام) است، زمخشری از مفسران اهل سنت نقل

می‌کند: «روى أنها لما نزلت قيل: يا رسول الله، من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ قال: على فاطمة و ابناهما» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۲۱۹-۲۲۰؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴، ۶: ۷ با اندکی تفاوت). در آیه دیگر مزد رسالت پیامبر ﷺ را به سود خود مسلمانان می‌داند: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ» (سبا: ۴۷)؛ و در جای دیگر، این اجر را برابر با راه خدا می‌داند: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان: ۵۷). نتیجه بررسی سه آیه مزبور این است که سود مزد رسالت برای خود مسلمانان است و آن راهی برای رسیدن به خداست. بنابراین، مودت اهل بیت ﷺ به سود امت است؛ چرا که این مودت راهی است که دارندگان خود را به سوی خدا رهنمون می‌کند. باید توجه داشت که تحقق این مودت در گرو لوازمی است که باید رعایت شوند. از جمله لوازم این مودت، «معرفت و اطاعت» است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳، ۱۰: ۳۹۴-۳۹۵). روایات معصومین ﷺ، معرفت امام را آن چنان ضروری و با اهمیت توصیف می‌کنند که عدم چنین معرفتی را مساوی با مرگ جاهلی می‌دانند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱، ۱: ۹۲؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ۱: ۳۷۷). اطاعت، دیگر لازمه مودت است؛ زیرا نمی‌توان ادعای مودت مطلق و بدون قید و شرط نسبت به کسی کرد، ولی از فرامین او اطاعت نکرد. از لوازم دیگر مودت ائمه ﷺ، «تبعیت» از ایشان است. در آیه شریفه ذیل، لازمه محبت به خدا را تبعیت از حبیب خدا می‌داند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱). اساسا مودت حقیقی نسبت به اهل بیت ﷺ منجر به همگونی و همسویی با آن بزرگواران می‌شود که در نتیجه این مودت، فرد از خیلی از رذائل دوری می‌کند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۵: ۱۶، ۲۶۳-۲۶۴). به سبب همین تاثیرات است که محبّ اهل بیت ﷺ در آخرت جایگاهی ویژه دارد. امام باقر ﷺ می‌فرماید: «مَا أَحَبَّنَا عَبْدٌ إِلَّا حَسَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلَ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» (ابن حیون، دعائم الإسلام، ۱۳۸۵، ۱: ۷۱). بنا بر مطالب پیش گفته درباره آیه مودت، این نتیجه بدست آمد که آیه مزبور بر وجوب «مودت، اطاعت و تبعیت» از امام علی ﷺ و دیگر ائمه هدی ﷺ دلالت دارد.

۲-۴. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین یکی از احادیث مسلم و معتبر نزد فریقین است که بسیاری از عالمان شیعه آن را متواتر دانسته و عده زیادی از اهل سنت بر صحت آن تصریح کرده‌اند. ترمذی این حدیث را این‌گونه روایت کرده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ؛ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ عِشْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا» (ترمذی، الجامع الصحیح و هوسنن الترمذی، ۱۴۱۹: ۵/ ۴۷۹؛ ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۲۰: ۱۷۰/۱۷؛ نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۱: ۱۶۰/۳).

حدیث ثقلین، ناظر بر چند بعد از ابعاد مفهوم ولایت است. از جمله این ابعاد عبارت‌اند از: ۱. فقره «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ» به صراحت بر مؤلفه «تبعیت و اطاعت» دلالت دارد؛ ۲. عبارت «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي» بیانگر این است که تمسک و چنگ‌زدن به اهل بیت علیهم‌السلام مانع از گمراهی می‌شود. بنابراین، حدیث مزبور شامل مؤلفه «هدایت» نیز می‌شود؛ زیرا تمسک مانع از گمراهی بدین معنا است که عترت موجب هدایت می‌شود؛ ۳. حدیث نامبرده همچنین بر مؤلفه «سرپرستی» دلالت دارد؛ چرا که در این حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام را مانند پیروی از قرآن واجب گردانیده و واضح است کسانی که پیروی از ایشان مانند پیروی از قرآن واجب و لازم بوده باشد، چنین کسانی بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سرپرستی جامعه را بر عهده خواهند داشت (میر حامد حسین، ۱۳۶۶: ۳۱/۲۰).

۳-۴. حدیث سفینه

حدیث سفینه از دیگر روایاتی است که بر مؤلفه‌های ولایت امام علی علیه‌السلام و دیگر اهل بیت علیهم‌السلام دلالت دارد. حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک الصحیحین این روایت را بدین گونه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (النیشابوری، المستدرک الصحیحین، ۱۴۱۱، ۲: ۳۷۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۰۵، ۱: ۲۴۰). در این حدیث، فقرات «مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ» به صراحت بیانگر این است که هر که از اهل بیت علیهم‌السلام تبعیت کند، مشمول نصرت و هدایت از جانب اهل بیت علیهم‌السلام خواهد شد. بنابراین، حدیث مزبور، بر مؤلفه‌های «تبعیت از ولایت امام (یکی از لوازم ارتباط با ولایت) و هدایت و نصرت امام (دو مورد از آثار ولایت) دلالت دارد.

تحلیل مفهوم ولایت در آیه ولایت و حدیث غدیر

بنابر آن چه در تحلیل ولایت الهی و نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قرائن صحت مؤلفه‌های مفهوم ولایت امام علی علیه‌السلام ذکر شد، ولایت در آیه ولایت و متعاقباً در حدیث غدیر، «رابطه دوسویه بین «ولیت» و مولی علیه است که تحقق آن مستلزم لوازمی از جانب هر دو طرف ولایت می‌باشد. این لوازم از سوی «ولیت» عبارت‌اند از: «هدایت، نصرت دنیوی و اخروی، محبت، سرپرستی نسبت به مولی علیه خود» و از طرف «مولی علیه» شامل این موارد است: «ایمان، عمل صالح»، «مودت، تبعیت و اطاعت از «ولیت»».^[۷]

۲۳.

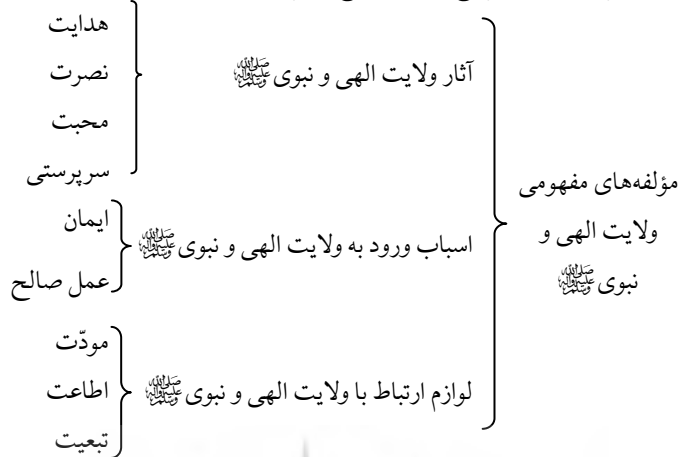
تحلیل مزبور از ولایت، دیدگاه عالمانی از اهل سنت را رد می‌کند که قائلند «ولایت» در آیه ولایت و حدیث غدیر به معنای دوستی و نصرت است (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰، ۱۲: ۳۸۴).

در نتیجه، ولایت مطرح شده برای امام علی (علیه السلام) در دو گزاره مورد بحث، ولاء عام بوده و قابل تعمیم برای همه مومنان است؛ زیرا بر اساس مؤلفه‌های ولایت، دو مولفه محبت و نصرت نسبت به «ولّی» تنها بخشی از مفهوم ولایت در دو گزاره نامبرده است؛ نه همه آن که با کمی تأمل در مؤلفه‌های نه‌گانه و جایگاهی که نسبت به ولایت ترسیم شد، نادرستی این دیدگاه آشکار می‌شود. برای نمونه، بنا بر دلالت التزامی سه مؤلفه «مودت، تبعیت و اطاعت مطلق از «ولّی»، «عصمت» یکی از ویژگی‌های «ولّی» در آیه ولایت و حدیث غدیر است؛ زیرا مودت، اطاعت و تبعیت مطلق و بدون قید از کسی بر این نتیجه دلالت دارد که چنین کسی هیچ‌گاه مرتکب خطا و اشتباه نخواهد شد. بنابراین، مصادیق «ولّی» در آیه ولایت و حدیث غدیر، معصوم هستند و سه مؤلفه مودت، اطاعت و تبعیت از «ولّی» را نمی‌توان به همه مومنان تعمیم داد؛ چرا که بر اساس آیات و روایات، همه افکار، رفتار و گفتار تمام مومنان صحیح نبوده و اطاعت از آن‌ها جایز نیست.

علاوه بر این، قرآنی در آیات وجود دارد که نافی دیدگاه اهل سنت از ولایت است. برای نمونه، با هم‌آیی صفت «ولّی» خداوند با صفت «نصیر» در آیات متعدد، مؤید این برداشت است که ولایت و نصرت به یک معنا نیستند. آیاتی مانند: ﴿مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (البقره: ۱۰۷)، ﴿مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (الشوری: ۸). اینکه در این آیات و آیات دیگر، صفت «ولّی» به همراه نصیر آمده است، بیانگر این است که این دو صفت الهی به یک معنا نمی‌باشند (جعفری و حائری، جستاری در معنای واژه «ولّی»، ۱۳۹۰، ۱: ۵۳)؛ و دیگر اینکه لازمه «ولّی» به معنای محب و ناصر، این است که در تمام آیاتی که الفاظ «محبّ و ناصر» آمده است، می‌توان لفظ «ولّی» را به جای آن دو به کاربرد؛ زیرا هم‌معنایی «ولّی» با محبّ و ناصر به معنای مترادف بودن این دو است، حال آنکه در آیاتی که مشتقات محبّ و ناصر آمده است، نمی‌توان به جای آن دو، «ولّی» را به کاربرد. برای نمونه، در آیات ذیل: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران: ۳۱)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ﴾ (صف: ۱۴) (همان، ۱۳۹۰: ۱/ ۴۲-۴۶).

بر اساس مؤلفه‌های نه‌گانه ولایت که این پژوهش آن‌ها را استخراج کرده است، می‌توان گفت «ولایت» عصاره و گوهر دین است؛^[۸] زیرا دین به طور کلی مجموعه‌ای از بینش‌ها، احساسات^[۹] و رفتارها است (پیترسون و دیگران، عقل و اعتماد دینی، ۱۳۷۶، ۲۰) که هر سه مجموعه در «ولایت» وجود دارد؛ «احساسات»، همان محبت و مودت «مولّی علیه» نسبت به «ولّی»؛ و «بینش»، همان ایمان است که گفته شد از اسباب ورود به ولایت است و «رفتارها»، همان اعمال صالح، تبعیت و اطاعت نسبت به «ولّی» است. در پرتو چنین تحلیلی از «ولایت» است که مفاد روایات درباره اهمیت «ولایت»، بیش از پیش آشکار می‌شود. برای نمونه، در روایتی می‌فرماید:

جدول مؤلفه‌های مفهومی ولایت الهی و نبوی ﷺ در آیه ولایت و حدیث غدیر:



پی‌نوشت‌ها

[۱] عالمانی از اهل سنت مانند: ملاعلی قاری، ۱۴۲۲: ۳۹۳۷/۹؛ مناوی، التیسیر بشرح الجامع الصغیر، ۱۴۰۸: ۴۴۲/۲.

[۲] سید هاشم بحرانی در غایة المرام، ۲۴ حدیث از طرق اهل تسنن و ۱۹ حدیث از طرق شیعه در این باره نقل کرده است، بحرانی، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵-۲۲ و همچنین برای آگاهی از دیگر عالمان اهل سنت که این سبب نزول را در کتب خود آورده‌اند، مرعشی شوشتری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ۱۴۲۲: ۲-۳۹۹-۴۰۸.

[۳] «ولایتِ «الله» از صفات فعلی خداوند است و مظهر می‌طلبد، از این رو خداوند به جهت لطف براساس حکمت، انسان کاملی را که دارای مقام عصمت و مظهر تام اسمای حسناى اوست، امام و ولی امت اسلامی قرار می‌دهد و این مهم روز عید غدیر خم صورت گرفت» (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۲۱۱/۱۲-۲۱۲).

[۴] «وال: از ماده ولایت و تولیت است؛ و والی کسی است که متولی بر امری باشد، و آن اسم فاعل است» (مصطفوی، تفسیر روشن، ۱۳۸۰، ۱۲: ۱۴۶).

[۵] یکی از شواهد مؤلفه بودن سرپرستی برای مفهوم ولایت، این است که مورخان اهل سنت به خلافت رسیدن خلیفه‌ی دوم را با تعبیر «ولیی» و مشتقات آن به کار می‌برند. برای نمونه، ابوبکر

درباره‌ی به خلافت رساندن خلیفه دوم می‌گوید: «إني وليت أمرکم خيرکم في نفسي.» (دینوری، الإمامه و السياسه المعروف بتاريخ الخلفاء، ۱۴۱۰: ۳۵/۱-۳۶؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ۱۳۸۷: ۲۹/۳). ابن‌کثیر می‌نویسد: «فلما ولي عمر کان أول ما تکلم به أن عزل خالدًا» (ابن‌کثیر دمشقی، البدايه و النهايه، ۱۴۰۷: ۱۸/۷). همچنین درباره‌ی مقدار حکومت این خلیفه آمده است: «فکانت ولايته عشر سنين و ستة أشهر و اربع ليال» (مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲).

[۶] تحلیل لوازم ارتباط با ولایت منفی در قرآن - یعنی: ولایت کفار و یهود و نصاری - بیانگر این است که این نوع ولایت منفی، سه مؤلفه‌ی «مودت، تبعیت و اطاعت» را در مفهوم خود دارد. ر.ک: (ممتحنه: ۱؛ بقره: ۱۲۰؛ آل عمران: ۱۴۹-۱۵۰)، (ابراهیمی و دیگران، واکاوی تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین، ۱۳۹۶: سال سوم، ش ۵، ۷۰-۷۲). وجود این لوازم در ارتباط با ولایت منفی، خود قرینه‌ای بر صحت لوازم ارتباط با ولایت مثبت (ولایت الهی و نبوی) است که در این پژوهش تبیین شد.

[۷] برخی از اندیشمندان، ولایت در قرآن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «در اصطلاح اولی قرآنی، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید. یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند...» (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، ۱۳۹۴: ۵۲۲). این تعریف با تعریف برگزیده نوشتار، در یک راستا هستند، جز اینکه تعریف مزبور در نوشتار حاضر، انواع و مصادیق این ارتباط وثیق بین «ولّی» و «مولّی‌علیه» را تبیین کرده است.

[۸] برخی از پژوهشگران نیز ولایت را عصاره و گوهر دین معرفی کرده و بر آن دلالتی اقامه کرده‌اند (یوسفی، توحید در ولایت یا گوهر دین، ۱۳۸۷، ۳۴۰-۳۴۶).

[۹] اهمیت مجموعه احساسات در دین در روایات این‌گونه بیان شده است: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ» (کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ۱۴۱۰، ۴۳۰)، «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ۸: ۸۰).

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، ابراهیم؛ تیموری، محمد؛ طهماسبی بلداجی، اصغر، واکاوی تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین، پژوهش نامه امامیه، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۹۶ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، جماعه المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ: ۵، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، تهران: کمال الدین و تمام النعمه، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۵۰ جلد، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ: ۱، ۱۴۱۶ق.
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، تحقیق: آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ق.
۹. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۷/ ۱۹۸۶.
۱۰. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوينی ابن ماجه، ۶ جلد، بیروت: دار الجیل، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. امینی، عبدالحسین، الغدير فى الكتاب و السنة و الادب، قم: مرکز الغدير، چاپ: اول، ۱۴۱۶ق.
۱۳. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فى التفسیر، بیروت: دار الفكر، ۱۴۲۰ق.
۱۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فى تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ: اول، ۱۴۱۶ق. ۲۳۵
۱۵. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام و حجة الخصام فى تعیین الإمام من طریق الخاص و العام، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۲ق.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، دائرة المعارف العثمانية، الدکن: حيدر آباد، بی تا.

۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۸. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ: اول، ۱۴۱۵ق.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاهره: دار الحدیث، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ق.
۲۰. الترمذی، محمد بن علی، نوادر الأصول فی أحادیث الرسول ﷺ، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، بیروت: دار الجیل، ۱۹۹۲م.
۲۱. پیترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، ۱۳۷۶ش.
۲۲. جعفری، محمدرضا؛ حائری، سیدحسین، جستاری در معنای واژه «ولی»، فصلنامه امامت پژوهی، شماره: اول، ۱۳۹۰ش.
۲۳. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق.
۲۴. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ: چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۹ش.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: موسسه فرهنگی ایمان جهادی، چاپ: ششم، ۱۳۹۴.
۲۷. درویش، محیی الدین، اعراب القرآن و بیانه، سوریه: دار الارشاد، چاپ: چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۸. دینوری، ابن قتیبه أبو محمد عبد الله بن مسلم، الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالأضواء، چاپ: اول، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۲۹. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ: سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: پنجم، ۱۴۱۷ق.

٣٢. طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الصغير، تحقيق: محمد شكور محمود الحاج أمرير، بيروت: المكتب الإسلامي، دار عمار، چاپ: اول، ١٤٠٥ق.
٣٣. طبرانی، سليمان ابن احمد ابوالقاسم، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، الموصل: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة: الثانية، ١٤٠٤ق.
٣٤. طبرسي فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ: سوم، ١٣٧٢ش.
٣٥. طبري، أبو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، ط: الثانية، ١٩٦٧/١٣٨٧.
٣٦. قرآني، محسن، تفسير نور، تهران: مركز فرهنگي درسهايي از قرآن، چاپ: يازدهم، ١٣٨٣ش.
٣٧. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ق.
٣٨. كوفي، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفي، تهران: مؤسسة الطبع والنشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، چاپ: اول، ١٤١٠ق.
٣٩. محلي جلال الدين؛ جلال الدين سيوطي، تفسير الجلالين، بيروت: مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ: اول، ١٤١٦ق.
٤٠. مرعشي شوشتری، قاضي نور الله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ: اول، ١٤٠٩ق.
٤١. مسعودي، أبو الحسن علي بن الحسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق: اسعد داغر، قم: دار الهجره، چاپ: دوم، ١٤٠٩ق.
٤٢. مصطفوي، حسن، تفسير روشن، تهران: مركز نشر كتاب، چاپ: اول، ١٣٨٠ش.
٤٣. مطهري، مرتضی، مجموعه آثار، ج ١٦، تهران: صدرا، ١٣٨٥ش.
٤٤. مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ: اول، ١٣٧٤ش.
٤٥. ملا هروي قاري، علي بن (سلطان) محمد، مرقاه المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، بيروت: دار الفكر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ق.
٤٦. مناوي، زين الدين محمد، التيسير بشرح الجامع الصغير، الرياض: مكتبة الإمام الشافعي، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٨ق.
٤٧. موسوي هندی، مير حامد حسين، عبققات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار، اصفهان: كتابخانه امير المؤمنين، چاپ: دوم، ١٣٦٦ش.

۴۸. نسائی، احمد بن علی، السنن الكبرى، ۷ جلد، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون- لبنان- بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق.
۴۹. النیسابوری، أبو عبد الله الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ق.
۵۰. یوسفی، جعفر، توحید در ولایت یا گوهر دین، پایان نامه سطح ۴ حوزه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ش.

